

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان:

بررسی سندی و دلالی حدیث وصیت

مورد استناد احمد الحسن

سخنران:

دکتر وحید باقرپورکاشانی

أللهم عجل لوليک العسر



@seratehagh 1 ❀ @MAHDISM_12

حالا من یک نکته‌ایی رو این‌جا اشاره کنم، این حدیث وصیت. حدیث از عامه گزارش شده، یک حدیثی است خبری واحدی هست، خب ما روایات چگونگی بر چه معیاری می‌سنجیم؟ با دو قید؛ اعتبار سند، روشنی دلالت. خب باید حدیث معتبر باشه سندش و هر کی هر چی گفت که ما قبول نمی‌کنیم، لذا علم رجال رو قرار دادن. علمای ما زحمت کشیدند در زمان خود حضرات معصومین، مهر تایید یا نقد رو رد می‌زدن به جمعی از کسانی که حدیث می‌گفتن. یعنی علم رجال بر می‌گرده به زمان خود نبی اکرم و ائمه‌ی معصومین. حالا همین حدیث وصیت که این‌گونه آورده که بعد میگم دلالتش هم مسئله‌ای که بعد از دوازده امام دوازده تا مهدی بیاد کی این حدیث و نقد کردن و راویاش کیه؟ یکی علی بن سنان الموصلی العدل، خب این راوی کسی هست که هیچ‌گونه توثیقی برای او در کتب رجال یافت نمی‌شه، و نام او در کتاب رجال متقدم هم حتی وجود نداره. مرحوم آیت الله خوئی در همین معجمی که دارن جلد دوازدهم صفحه‌ی ۴۶ می‌فرمایند: همانا کلمه‌ی العدل که آخر اومده، علی بن السنان الموصلی العدل بنا بر آن‌چه که در مشایخ صدوق از ذکر این کلمه ظاهر است

بعضی از علمای عامه به وسیله‌ی آن وصل می‌شوند پس بعید نیست که این مرد از عامه و سنیان باشند! عرض کردم، حالا سنی گاهی اوقات سقه هست، مورد قبول؛ اما بحث سر این که این احتمالیه که جناب آیت الله خوئی میدان وگرنه در کتب متقدم رجالی اسم این فرد ذکر نشده. بعدی چیه؟ این فرد به نام علی بن حسین. خب این شخص هم چون پسوندی براش ذکر نشده علی بن حسین خیلی داشتیم خب ناشناخته باقی می‌مونه کدوم علی بن حسین؟ و صرف مطرح کردن احتمالات در مورد این شخص گره ایی رو باز نمی‌کنه، ممکنه ما بگیم او علی بن حسین بوده که موثق نبوده اون می‌گه نه موثق بوده پس هیچی. بعدی چیه؟ احمد بن محمد بن خلیله، خب در رجال نجاشی صفحه‌ی ۹۶ آوردن که؛ احمد بن محمد ابو عبدالله عامری طبری ضعیف است جدا و به او توجهی نمی‌شود پس این راوی ضعیفه. همچنین علامه حلی ایشان ذکر فرمودند که؛ در رجال خودشون کتاب رجالی دارن صفحه‌ی ۲۰۵ که احمد بن محمد ابو عبدالله خلیلی که به او غلام خلیل آملی طبری گفته می‌شود جدا ضعیف است، و به او التفات نمی‌شود. کذاب است و بسیار وضع و جعل حدیث کرده و مذهب فاسدی دارد. خب این هم یک نمونه.

نمونه‌ی دیگری باز از کسانی که حدیث رو جزو روایات این حدیث هستند، جعفر بن احمد مصریه، که هیچ نامی از این فرد در هیچ کتب رجال شیعه وجود ندارد. فرد دیگری الحسن بن علی عم جعفر. خب وی عموی جعفر بن احمد بوده و هیچ اطلاع دیگری جز این در دست نیست فقط یک عموش بود، همین.

و والد الحسن بن علی از این شخص هم هیچ اثری در کتب رجال شیعه دیده نمی‌شود. ببینید این از باب اعتبار سند؛ حدیث وصیت که ایشان می‌گویند به‌علاوه حدیث وصیت به اسناد معتبر، آن‌هایی که سلسله روایات رو وقتی بررسی می‌کنی ثقه هستن و حدیث مورد قبول هست؛ اساساً این مسئله رو نیاورده که بعد از حضرت مهدی دوازده تا مهدی دیگر هم میان چنین و چنان.. به‌علاوه وقتی نگاه می‌کنی در دلالتش هم حرف هست، جمعاً گفتن؛ که خب این روایت وقتی نگاه می‌کنیم با روایات‌های دیگر در تعارض هست اگه به اون معنا بخوایم بگیریم که دوازده تا مهدی خواهد آمد. بعضی‌ها گفتن که این دوازده تا مهدی در ارتباط با همین دوازده تا امام هست؛ تکرار همون رو از باب هدایت شده داره ذکر می‌کنه.

در روایات دیگه آوردن مهدی، شیعیان خالص اهل بیت عصمت و طهارت هستن که مطیع امام اند؛ خب این‌ها هیچ کدوم دلالت بر امامت بیست و چهارتا نمی‌کنه! قدیم می‌گفتن: بیست و چهارتا امام؛ الان می‌گن: نه نه دوازده امام دوازده مهدی. خب پس می‌گیم مهدی چه خصوصیتی داره؟ دقیقا همون ویژگی‌های امام! می‌گن معصوم هست مفترض الطاعه، حجت خدا هست، حتی صفاتی رو از حضرت مهدی گرفتن. قائم هم همونه، یمانی هم همونه، بعد می‌گن یمانی! از کجا؟ چه دلیلی داره این یمانی! این یمانی! پسر امام زمانه. این یمانی قائم هست، کجا چنین چیزی آورده؟ یعنی می‌خوام بگم که اگه ما باشیم و نصوص دینی تناقض در تناقض، تعارض در تعارض، در همین ارتباط مطرحه.